

Comparative Analysis and Differentiation between Traditional Islam and Traditionalist Islam

Seyyed Ali Bat-haei¹

(Received on: 2025-09-06; Accepted on: 2026-01-28)

Abstract

This article examines the concept of “Tradition” (*Sunnah*) within two distinct intellectual currents: “Traditional Islam” and “Traditionalist Islam”. The primary objective is to elucidate the divergences between these two streams regarding the definition and application of the term “Tradition”. Employing a descriptive-analytical methodology, the study investigates lexicographical and hadith sources, alongside the philosophical perspectives of prominent Traditionalists such as Seyyed Hossein Nasr and René Guénon, contrasting them with the conception of Tradition in Traditional Islam. The findings reveal that in Traditional Islam, “Tradition” denotes pre-modern methodologies grounded in Islamic jurisprudence (*Fiqh*) and divine law (*Sharia*). In contrast, Traditionalists regard it as a sacred, trans-religious reality encompassing the Transcendent Unity of Religions and *Sophia Perennis* (Perennial Wisdom). The results indicate that while Traditional Islam often adopts a passive stance characterized by a disregard for modernity, Traditionalists engage in a critical understanding of modernity, committing themselves to redefining Tradition as a substantive alternative to the modern paradigm.

Keywords: Traditional Islam, Traditionalism, Perennial Wisdom (*Sophia Perennis*), Modernity, Sharia, Mysticism (*Irfan*)

1. Seyyed Ali Bathaei, Assistant Professor, Department of Religions and Denominations, International University of Islamic Sects, Tehran, Iran. (Full member of the Scientific Association of Religions and Sects)

– a.bathaei@mazaheb.ac.ir

نسبت سنجی و تمایز اسلام سنتی با اسلام سنت‌گرا

سید علی بطحائی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸]

چکیده

این مقاله به بررسی مفهوم «سنت» در دو جریان فکری «اسلام سنتی» و «اسلام سنت‌گرا» می‌پردازد. هدف اصلی، تبیین تفاوت‌های میان این دو جریان در تعریف و کاربرد واژه «سنت» است. روش تحقیق، تحلیلی-توصیفی با بررسی منابع لغوی، حدیثی و اندیشه‌های سنت‌گرایانی مانند نصر و گنون، و بررسی آن با مفهوم سنت در اسلام سنتی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در اسلام سنتی، سنت به معنای روش‌های پیشامدرن و متکی بر فقه و شریعت است؛ در حالی که سنت‌گرایان، آن را حقیقتی قدسی و فرادینی می‌دانند که شامل وحدت متعالی ادیان و حکمت خالده می‌شود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که کلیت اسلام سنتی با بی‌اعتنایی به مدرنیته، رویکردی انفعالی دارد؛ اما سنت‌گرایان با شناخت انتقادی از مدرنیته، به بازتعریف سنت به عنوان جایگزینی در مقابل آن التزام دارند.

واژگان کلیدی: اسلام سنتی، سنت‌گرایی، حکمت خالده، مدرنیته، شریعت، عرفان

۱. استادیار گروه ادیان و مذاهب، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران (عضو پیوسته انجمن علمی ادیان و

مذاهب حوزه) a.bathaei@mazaheb.ac.ir

مقدمه

برایند کنش‌های جوامع مسلمان در مقابل مدرنیته، نتیجه شناخت دقیق جریان‌های فکری است. از این رو، فهم حیات اجتماعی جریان‌های پویای فکری در گرو هویت تفکیک و تحلیل ماهیت آن‌هاست. در چند دهه اخیر، مفاهیم «سنت» و «سنت‌گرایی» در گفتمان‌های دینی و فکری جهان اسلام جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. این مفاهیم در بستر رویارویی جوامع اسلامی با مدرنیته و چالش‌های ناشی از آن شکل گرفته و به تدریج به یکی از محورهای اصلی بحث در مطالعات اسلامی تبدیل شده‌اند. مطالعه تفاوت بین «اسلام سنتی» و «اسلام سنت‌گرا» در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه دین، فلسفه اسلامی و مطالعات فرهنگی قرار گرفته است. این موضوع از آن جهت اهمیت یافته که هر دو اصطلاح، اگرچه ممکن است در نگاه اول مشابه به نظر برسند؛ اما در واقع به دورویکرد متمایز در فهم و تفسیر اسلام اشاره دارند.

با این حال، ابهامات مفهومی و اختلافات تعریفی میان جریان‌های فکری مختلف درباره معنای «سنت» و نسبت آن با اسلام، موجب شده است تا پژوهش‌های عمیق‌تری در این زمینه ضرورت یابد. مفهوم سنت در طول تاریخ اندیشه اسلامی، تحولات معنایی متعددی را پشت سر گذاشته است. در نگاه نخست، سنت در اصطلاح حدیث‌شناسان به گفتار، رفتار و تقریر معصومان علیهم‌السلام اطلاق می‌شود که منبعی مهم در استنباط احکام شرعی به شمار می‌رود؛ اما در دوران معاصر، تحت تأثیر جریان‌های فکری مختلف، این مفهوم گسترش یافته و در برخی موارد، دچار دگردیسی معنایی شده است. از یک سو، جریان «اسلام سنتی» با تکیه بر میراث فقهی و حدیثی پیشینیان، به دنبال حفظ چارچوب‌های شناخته‌شده دینی است و از سوی دیگر، جریان «سنت‌گرایی» با تعریفی فرادینی و فلسفی از سنت، آن را به مثابه «حکمت

خالده» و حقیقتی فراتاریخی تفسیر می‌کند که ریشه در آموزه‌های مشترک ادیان دارد. در این میان، پژوهش‌های متعددی به بررسی این دو جریان پرداخته‌اند؛ ازجمله آثار سید حسین نصر به عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته سنت‌گرایی، که سنت را به مثابه امری قدسی و فراتر از زمان و مکان تعریف می‌کند. در مقابل، متفکران اسلام سنتی بیشتر بر جنبه‌های عملی و فقهی سنت تأکید دارند و آن را در چارچوب متون دینی و سیره معصومان علیهم‌السلام محدود می‌سازند. با این حال، خلأ پژوهشی مشهودی در مقایسه نظام‌مند این دو جریان و تبیین دقیق تفاوت‌ها و اشتراکات آن‌ها وجود دارد. این نوشتار بر آن است تا ضمن تمایز میان اسلام سنتی و سنت‌گرایی، این دو جریان را نه از زاویه دید سردمداران آن، بلکه از نگاهی بی‌طرف بررسی کند. بررسی تقسیم‌بندی جریان‌شناسان و صاحب‌نظران گفتمان‌های فکری معاصر جهان اسلام روشن می‌کند که عموماً جریان‌شناسان، سنت‌گرایی و اسلام سنتی را در یک طیف گفتمانی جای داده‌اند. به عنوان نمونه برخی جریان‌شناسان (ملکیان، ۱۳۷۸: ص ۱۳؛ موثقی، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۳۸؛ هشام شرابی: ۱۳؛ صاحبی: ۲۱ و عرب صالحی: ۹۵) ضمن دسته‌بندی جریان‌های فکری معاصر، سنت‌گرایی و اسلام سنتی را در یک گفتمان جای داده‌اند. اولیویه روآ در کتاب شکست اسلام سیاسی نشان می‌دهد که اسلام سنتی بیشتر به رفتارهای دینی نهادینه‌شده در طول تاریخ اشاره دارد؛ درحالی‌که جریان سنت‌گرا (به‌ویژه با تأثیرپذیری از اندیشه‌های گنون و شاگردانش) به دنبال احیای معنویت و حکمت در مقابل مدرنیته است (روا، ۱۳۹۵: ص ۴۶).

اندیشمندانی مانند سید حسین نصر و طه عبدالرحمن کوشیده‌اند با نقد مدرنیته، رویکرد سنت‌گرا را به عنوان بدیلی برای اسلام سیاسی و اسلام لیبرال مطرح کنند (رحمتی، ۱۳۹۸: ص ۳۷)؛ در حالی که اسلام سنتی معمولاً در چارچوب نهادهای رسمی

دینی (مانند الازهر یا حوزه‌های علمیه) تعریف می‌شود، اسلام سنت‌گرا بیشترین جریان فکری انتقادی است. با توجه به تعاریف متفاوت از مفهوم و مدلول «سنت» در دو جریان اسلام سنتی و اسلام سنت‌گرا، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که مهم‌ترین وجوه تمایز و اشتراک این دو گفتمان در تعریف سنت و مواجهه با مدرنیته چیست. چگونه این تفاوت‌ها بر رویکردهای عملی و نظری آن‌ها در مواجهه با چالش‌های جهان معاصر تأثیر گذاشته است؟ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد تا با واکاوی تعاریف مختلف سنت در این دو جریان، به تبیین دقیق‌تر نسبت آن‌ها با یکدیگر و نیز با مدرنیته بپردازد.

مدلول «سنت» در دو جریان

یکم: تعریف لغوی و اصطلاحی «سنت»

در بررسی ماهیت اسلام سنتی یکی از موضوعات مهم، تعریف و روشن شدن مقصود از واژه سنت در اصطلاح اسلام سنتی است. این مسئله از جمله پژوهش‌های کمترتوجه شده است. لغت‌شناسان معانی متعددی برای واژه «سنت» برشمرده‌اند. فراهیدی (م ۱۷۵ق)، کهن‌ترین لغت‌شناس جهان اسلام، ذیل مدخل (س ن ن) درباره سنت می‌نویسد: «سن» به معنای آمیختن و سروسامان دادن به گل و تراب گل اندود به منظور گل‌کاری یا حرفه سفال‌گری است... و «سنت»، شبیه به چیزی است که اسب میل شدید به شتافتن به سوی آن، یا اقبال و ادبار بدان دارد. «مسن» طریقی است که پیموده می‌شود (فراهیدی، بی تا: ج ۷، ص ۱۹۷-۱۹۸).

المفردات سنت را طریقه حکمت و راه اطاعت از حق تعالی می‌داند (راغب، ۱۴۱۲: ص ۴۲۹). برخی نیز در لغت‌نامه‌ها، «سنت» را به معنای روش و طریقه دانسته‌اند؛ معنایی

که می‌توان آن را هم بر روش پسندیده و هم بر روش ناپسند اطلاق کرد (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۶، ص ۵۱۵؛ قرشی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۸۷؛ الخطیب، ۲۰۰۵: ص ۱۷). چنان‌که از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «من سنّ سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها ومن سنّ سنة سيئة...» و «الْبُكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (شعیری، بی‌تا: ص ۱۰)؛ در مردم‌شناسی، به معنای آداب و رسوم است و واژه‌ای که برای این معنی به کار می‌رود، واژه «tradition» است (قرایی مقدم، ۱۳۸۲: ص ۱۰۱).

سنت در اصطلاح علم حدیث، گفتار یا عملکرد یا تقریر است که به قصد تشریع برای امت از پیامبر اعظم ﷺ صادر شده است. با قید «به قصد تشریع»، امور دنیوی و عادی و فطری‌ای که ارتباطی به امور دینی و وحی ندارد، از تعریف خارج می‌شود؛ زیرا چنین اموری طبیعتاً از شخص صادر می‌گردند و طبع افراد متفاوت است و نمی‌توان همه امت اسلامی را به اموری که عادی و آفرینشی هستند، مقید کرد. شیعه در تعریف سنت به جای پیامبر اکرم ﷺ لفظ معصوم را می‌گذارند. سنت به معنای عام کلمه در نزد محدثان، شامل واجب و مستحب می‌شود؛ ولی در اصطلاح فقیهان تنها به امور مستحب اطلاق می‌گردد، همانند تسامح در ادله سنن (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ص ۸؛ برای معانی سنت نزد اهل سنت بنگرید: شافعی، بی‌تا: ص ۷۸-۷۹؛ شوکانی، بی‌تا: ج ۱، ص ۹۵).

دوم: مدلول سنت در اسلام سنت‌گرا

سنت در اسلام سنت‌گرا مدلولی متفاوت از سنت به معنی معهود دارد. سنت در سنت‌گرایی به معنای رسم و اسلوب نیست؛ بلکه مقصود سنت الهی و ازلی است که در تمام وجود جریان دارد. سنت به معنای اصول و حقایقی است که منشأ قدسی دارد و تبلور، کارکرد و تجلیات خاص خود را در چارچوب هر مکتبی داراست. هر تمدنی که

با این اصول پیوند دارد، سنتی نامیده می‌شود (علی‌پور، ۱۴۰۲: ص ۲۵۸). نصر در مدلول سنت بر این باور است که کلمه سنت انتزاع از لغت انگلیسی «Traditio» است که در عرف کلیسای کاتولیک به معنای تعالیمی می‌دانند که از دوره حواریان در طول چندین سده به ما رسیده است. سنت از جهت ریشه‌شناسی به دوره انتقال مرتبط و در حوزه معنایی مشتمل بر نظریات معرفت، عمل، فنون، قوانین، اشکال و برخی عناصر دیگر است که شفاهی یا مکتوب هستند (نصر، ۱۳۸۵: ص ۱۷). مدلول سنت در سنت‌گرایی، وجود سنتی واحد و پویا و لایزال است که در شکل‌های گوناگون ظاهر می‌شود. البته این معنای از سنت با سنت معهود اصطلاحی تفاوت دارد. از نظر سنت‌گرایان سنت شیوه رسیدن انسان به خدا و شامل مبانی مابعدالطبیعه یا وجودشناسی، انسان‌شناسی، اخلاق و خداشناسی است. از این دیدگاه در بطن تمام سنت‌ها، حکمت خالده وجود دارد و حکمت خالده از نظر نصر شامل مابعدالطبیعه یا علم قدسی است که به شناخت مبدأ کلی منتج می‌شود (امامی جمعه و طالبی، ۱۳۹۱: ص ۳۸).

آنچه پس از بررسی معنای متعدد واژه سنت باید واکاوی کرد این است که اسلام سنتی در کدام یک از معانی بالا به کار رفته است. طبیعی است که متولیان اسلام سنتی می‌خواهند اسلام سنتی در چارچوب معنای سنت اسلامی باقی بماند و معنای دینی سنت و معهود آن را بپذیرند؛ با این حال، ملاک اصلی برای تقسیم‌بندی جریان‌های اسلامی، پاسخ آن‌ها به مدرنیته است. با اشغال سرزمین‌های اسلامی توسط اروپائیان و ورود فرهنگ غرب و مدرنیته به جهان اسلام، رویکردهای مختلفی در مواجهه با مدرنیته در جهان اسلام شکل گرفت و هر جریان، عالم و متفکری در پی پاسخ به این پرسش برآمد که علت اصلی و اساسی تسلط بیگانگان و ضعف و عقب‌ماندگی مسلمانان در چه چیزی نهفته است. یکی از معانی جدیدی که از پیامدهای مدرنیته در جامعه به وجود آمد، عبارت سنتی در

مقابل صنعتی است. مدرنیته یکی از مشخصه‌های دوران معاصر و در نتیجه مدرنیسم روح عصر معاصر است. در این میان، گفتمان‌های جهان اسلام، که تحت تأثیر تحولات و اختراعات علمی، اقتصادی، سیاسی و دیگر دستاوردهای غرب قرار گرفته‌اند، براساس ظرفیت و توان خود، از این تغییرات شگرف دست به گزینش زده‌اند. سبک زندگی پس از ماشین‌ساز و مدرنیسم به دو شیوه سنتی و صنعتی دسته‌بندی می‌شود. پس از ورود مدرنیته، دانش‌ها و شیوه‌های سنتی وجود دارند که در دوره‌های مختلف، پیش از دوران مدرن شکل گرفته‌اند؛ کشاورزی سنتی در مقابل کشاورزی صنعتی، طب سنتی در برابر طب مدرن، موسیقی سنتی در برابر سایر سبک‌های موسیقی مدرن، هنر و نقاشی سنتی، معماری سنتی، چوپانی سنتی در برابر دامداری صنعتی، مشاغل سنتی (خیاطی، نجاری، آهنگری و...).

در شرایط گذار از سنت به مدرنیته در اندیشه اسلامی یک فاصله معرفتی هویدا شد؛ به گونه‌ای که تمام الفاظ معنای تازه‌ای پیدا می‌کنند. در این بین، اسلام سنتی نیز کاملاً از سایر گفتمان‌ها متمایز می‌شود. در دوران سنتی، اسلام را آیینی فراگیر و گسترده می‌دانستند که به تمام نیازهای بشر پاسخ می‌دهد. مناسبترین منظور از «اسلام سنتی» در اینجا گفتمانی است که تلاش می‌کند خود را به سنت دوران پیشامدرن نسبت داده و روش‌ها و رویکردهای اسلامی رایج پیش از ظهور مدرنیته را بازتولید کرده یا به عنوان الگو ترجیح دهد. بنابراین، رابطه میان «اسلام سنتی» و «سنت» در مقابل «مدرنیته» بدین معناست که این جریان فکری به دنبال احیا و تداوم شیوه‌های فهم دین، اندیشه و روش‌شناسی است که پیش از دگرگونی‌های ناشی از تجدد وجود داشته است. مسلمانان سنتی که پیروان اسلام سنتی‌اند و اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند، استمراربخش فرهنگ و تمدن اسلامی‌اند. آنان با وجود تنوع گسترده در مذاهب و مکاتب کلامی، فقهی،

عرفانی، فلسفی و هنری، در یک اصل بنیادین مشترک‌اند: اینکه دین و حقیقت دینی را در بستر سنت می‌جویند (کدیور، بی تا (الف): ص ۴۶).

سوم: سنت‌گرایی به عنوان یک مکتب و اسلام سنتی به عنوان یک شیوه (مفهوم سنت در سنت‌گرایی)

یکی از سوءفهم‌های برخی از جریان‌شناسان، این است که گاهی اسلام سنتی را با اسلام سنت‌گرایانه یکسان در نظر گرفته‌اند؛ در حالی که این دو گفتمان با هم متفاوت هستند. اسلام سنت‌گرا به عنوان جریانی معاصر دقیقاً در مقابل مدرنیسم و مبانی آن قرار گرفته است و به یک سنت زنده، پویا و ازلی ملتزم است که هرگز از بین نمی‌رود. این جریان فکری بر نوع خاصی از سنت تأکید دارد که وحدت‌گرا و یگانه است و در قالب‌های متنوعی ظهور و بروز پیدا می‌کند. این نگاه در قالب جریان اسلام سنت‌گرا تجسم عینی یافته است. این معنای از سنت با سنت پیش‌گفته در فصل نخست این نوشتار به معنای متعارف، یعنی آداب و رسوم و عادت، تفاوت ماهوی دارد. در این جریان، سنت وسیله‌ای برای رسیدن انسان به خدا و شامل مبانی مابعدالطبیعه یا وجودشناسی، انسان‌شناسی، اخلاق و خداشناسی است. در قلب تمام سنن این جریان فکری «حکمت خالده» جاری است. در عرف، این گفتمان به تبع تعریف جهانی از سنت (Tradition)، به میراث گذشتگان اطلاق می‌شود؛ یعنی آنچه شامل آداب و رسوم، فرهنگ، اعتقادات و ارزش‌های گذشته اعم از صحیح و ناصحیح است. در علوم اجتماعی هم سنت در برابر تجدد به کار گرفته شده است. براساس این دیدگاه، هر آنچه به سنت تعلق دارد، حتی از نظر مدافعان آن، لزوماً به معنای سنت مقبول و مقدس نیست؛ باین حال، سنت‌گرایان فراتر از این تعریف رایج، در مفهوم سنت بازنگری کرده و تعریفی نو و مجدد از آن عرضه کرده‌اند.

کنون و به دنبال او سید حسین نصر متفاوت با تعریف فوق و مغایر با تعریف رایج اسلامی از سنت، آن را یک مفهوم اعم، تعریف کرده‌اند (سنت به معنای ادیان). بدین ترتیب جریان سنت‌گرایی یکی از گفتمان‌های مهم دوران معاصر است که به بررسی ماهیت سنت به عنوان پدیده‌ای با منشأ الهی می‌پردازد. جریان سنت‌گرا هر سنتی را جلوه‌ای از جلوه‌های خورشید هدایت و موجی از دریای حقیقت می‌داند. سنت‌گرایان با تکیه بر تنوع ضروری وحی‌ها، اصل راست‌آیینی، تمایز قلمرو ظاهر با باطن، تمرکز بر وحدت درونی ادیان می‌کشند تا وجوه اختلافی میان ادیان را کنارزنند و به گوهر مشترک میان آن‌ها دست یابند. از این منظر، اختلاف میان ادیان، سطحی و ظاهری است و همچنین ادیان در نهایت در سطحی متعالی به وحدت خواهند رسید (امامی جمعه و طالبی، ۱۳۹۱: ص ۴۲).

سنت‌گرایی (Traditionalism) واژه‌ای غیرژورنالیستی است و در محافل علمی به اندیشه متفکرانی از قبیل رنه گنون، آناندراکوماراسوامی و فریتیهوف شوان اطلاق می‌شود که با درک ماهیت مدرنیته، منتقد جدی آن هستند و به دنبال احیای سنت (Tradition) یا حکمت جاویدان (Sophia Perennis) و برتری امور فوق طبیعی بر زندگی مادی‌اند. اگرچه برخی متفکران این حلقه مسلمان‌اند (از قبیل گنون، شوان، بورکهارت، لینگز و نصر)؛ اما سنت‌گرایی به وحدت متعالی ادیان می‌اندیشد و با دین و آیین خاصی پیوند اخوت نبسته است و عملاً از غایت معنوی همه ادیان الهی دفاع می‌کند. سنت‌گرایان اگرچه در محافل آکادمیک جهان مدرن شناخته شده‌اند و در میان پیروان ادیان مختلف، از جمله مسلمانان تحصیل کرده پیروانی دارند؛ اما به لحاظ کمی و تأثیرگذاری اجتماعی و سیاسی - حداقل در ایران - جریان چندان مطرحی نیستند.

بسیار بعید می‌دانیم بنیادگرایان مسلمان (به آن معنایی که در ادبیات معاصر غرب استعمال می‌شود) اصولاً با آرای سنت‌گرایان (باز به همان معنای مصطلح غربی) آشنا

باشند یا آن‌ها را مطالعه کرده باشند، چه برسد که بنیادگرایی و فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی آن‌ها، معلول آشنایی با آرای سنت‌گرایان باشد. اینکه در محافل آکادمیک و در میان نخبگان نقدهای جدی سنت‌گرایان به مدرنیته زمینه گسترش رشد دیگر جریان‌های منتقد مدرنیته از جمله بنیادگرایان باشد، البته قابل انکار نیست (کدیور، بی تا (ب): ص ۱۱).

طبق تعریف سنت در جریان اسلام سنت‌گرا، سنت امری مقدّس است که از طریق وحی عیان شده است و در طول تاریخ گسترش یافته است. سنت کلی‌تر از دین است و پرداخته دست بشر نیست (نصر، ۱۳۹۱: ص ۵۵-۷۵). نصر در تعریف سنت که آن را مشترک لفظی می‌داند، مراد دقیق خود از سنت را چنین توصیف می‌کند:

منظور صاحب این قلم از سنت، رسم یا عادت یا انتقال قهری افکار و مضامین از نسلی به نسل دیگر نیست؛ بلکه مراد از سنت، مجموعه اصولی است که از عالم بالا فرود آمده‌اند و در اصل عبارت‌اند از: یک نوع تجلّی خاص ذات الهی. بنابراین سنت، در عین حال در حد ذات خود قدسی است و اصطلاح سنت قدسی به یک معنا فقط حشوی است که صاحب این قلم بر سبیل تأکید به کار برده است (نصر، ۱۳۸۳: ص ۱۱۶).

مقایسه مفهومی سنت در اسلام سنتی و سنت‌گرایی

با توجه به مطالب پیش‌گفته روشن می‌شود که چرا اسلام سنتی با اسلام سنت‌گرا متفاوت است. پیروان اسلام سنتی کسانی هستند که مطابق شیوه سنت اسلام زندگی می‌کنند؛ اما توجه بنیادی و فلسفی به دنیای امروز ندارند. این اسلام در نوع خود اصیل است و به سنت، اصالت اسلام، میراث حدیثی- فقهی و آثار برجای مانده از گذشتگان سخت پایبند است؛ اما برای دنیای معاصر نظریه‌ای ارائه نمی‌دهد و نقدی نسبت به دنیای جدید در این نگاه

نیست؛ مگر نقدهای کلیشه‌ای و نه انتقادات فلسفی و عمیق. در مقابل، سنت‌گرایی با شناخت دقیق از غرب و مؤلفه‌های آن، بر سنت بازتعریف شده تأکید می‌کند و آن را به عنوان ابزاری مؤثر برای مواجهه با چالش‌های مدرنیته به کار می‌گیرد. گفتمان سنتی طیفی از مسلمانان هستند که نگاهی سنتی، ارتدکس و محافظه‌کارانه به دین‌داری دارند و ظواهر دین و شریعت برای آن‌ها اعتبار بالایی دارد. سنتی‌ها به نجات انحصاری مؤمنان براساس حدیث فرقه‌ناجیه باور دارند و به دنبال احیای رسوم مقدس صدر اسلام در دوران معاصر هستند؛ ضمن آنکه شناخت درست و عمیقی از مدرنیته ندارند، با پیامدهای آن نیز میانه‌خوشی ندارند. سنتی‌ها ایدئولوژیک فکر نمی‌کنند و از عمل‌گرایی افراطی و خشن (activism) نیز مُبرا هستند. اغلب طیف‌های آن‌ها داعیه سیاسی خاصی ندارند و به یک معنا عملاً سیاسی نیستند. اسلام سنتی به ویژه طیف محافظه‌کار نسبت به دنیای مدرن رویکرد انفعالی دارد و در مقام کنش با دنیای مدرن نیست و تنها به اجبار به هم‌زیستی و معاصرت بدون معاشرت با آن می‌پردازد؛ اما اسلام سنت‌گرا، مواجهه‌ای فعالانه و نقادانه با دنیای مدرن دارد و ماهیت و کاستی‌های دنیای مدرن را خوب می‌شناسد. به عبارتی دیگر، اسلام سنت‌گرا می‌فهمد انسان مدرن، تعبداً امری را نمی‌پذیرد و دلیل مطالبه می‌کند، پس به دنبال دلیل مناسب برای گزاره‌های دینی است. البته عقلانیت اسلام سنت‌گرا با عقلانیت مدرن متفاوت است و مانند اسلام سنتی، تعبدی و منفعلانه نیست. اصطلاح سنت در این دو گفتمان، اشتراک لفظی و به تعبیری عام و خاص مطلق و چه بسا عام و خاص من وجه باشد.

سنت در اسلام سنتی آنچه در اسلام سنت‌گرا تعریف شده، نیست. سنت در اسلام سنت‌گرا و سنتی، مصداق «ما قُصد لم يقع وما وقع لم يُقصد» است. از نقاط اشتراک هر دو جریان می‌توان به کهنه‌گرایی هر دو گفتمان اشاره کرد. علم محوری در اسلام سنتی،

فقه و شریعت است؛ در حالی که علم اصلی در سنت‌گرایی عرفان است. مسلمانان سنتی شریعت مدارند و اهل ظاهر دیانت؛ اما مسلمانان سنت‌گرا عارف مسلک‌اند و اهل باطن. دیانت اکثریت فقیهان، مراجع تقلید، روحانیان، وعاظ و اهل منبر و محراب از سنت سرچشمه می‌گیرد؛ اما یقیناً سنت‌گرا (به معنای مصطلح) نیستند. حتی به جرئت می‌توان ادعا کرد که اکثر آن‌ها آثار سنت‌گرایان مسلمان رانیز نخوانده‌اند؛ بلکه اصولاً ماهیت مدرنیته و لوازم آن را نشناخته‌اند و در این باب، قضاوتی سطحی و ظاهری دارند. پروژه سنت‌گرایی (Traditionalism) با طریقت صوفیان، قرابت فراوان دارد. می‌توان گفت سنت‌گرایی، قرائت مدرنی از پروژه سنتی عرفان است و عرفان نیز فراتر از یک دین خاص است. باطن‌ادیان بسیار به هم نزدیک‌اند.

«حکمت خالده» یا «فلسفه جاویدان» در سنت‌گرایی، بیان مدرنی از وجوه معنوی دین و احیای عرفان فرادینی در دنیای مدرن است که ستیزی انفسی با تجدد و دستاوردهای آن دارد. سید حسین نصر سخت دلتنگ آسمان قرون وسطاست (نصر، دین و نظم طبیعت: ص ۲۲۰). نصر معتقد است که غرب پیشازنسانس، به اسلام و یهودیت و ادیان نزدیک بود (نصر، ۱۳۹۳ (ب): ص ۴۳۱) و در قرون وسطا، جهان غرب و جهان اسلام در مهم‌ترین اصل، یعنی وجود خدا، اشتراک نظر داشتند و به یکدیگر احترام می‌گذاشتند. دشمنی با اسلام از زمان شروع وزیدن بادهای رنسانس آغاز شد که قرون وسطا را محکوم کرد. نصر می‌نویسد: «در این دوران بود که این دو تمدن خواهرزاده، راهشان را از یکدیگر جدا کردند» (نصر، ۱۳۸۳: ص ۳۸۰). نسخه اسلام سنت‌گرا در مواجهه با مدرنیسم، دنبال بازگشت تمام‌عیار به سنت (به مفهوم خاص) است. اینجاست که می‌توان از جهاتی، سنت‌گرایی را با اسلام سلفی نیز هم‌جهت دانست. در بازنویسی زیر، متن با بیانی شفاف‌تر و صریح‌تر ارائه شده است:

تنها تفاوت این دو جریان در آن است که اسلام سلفی، دوران مطلوب را منحصر به قرون نخستین اسلامی می‌داند، در حالی که اسلام سنت‌گرا بازگشت به سنت را به شکلی نامحدود و بدون قید زمانی مشخصی توصیه می‌کند. سنت‌گرایان در مقابله با زهر تجدد معتقدند که پادزهری لازم است که آن، بازگشت به نسخه سنت است. به زبان ساده، اسلام سنت‌گرایی دوایی برای بیماری غرب‌گرایی است که برای غرب‌زدگان مشرق‌زمین نیز این اثر را دارد (نصر، ۱۳۹۳ (الف): ص ۱۳۲).

سنت‌گرایان یکی از ریشه‌های مدرنیته را علوم غربی تشخیص داده‌اند و همواره دادِ خطر علم جدید را برای دین سر می‌دهند. سنت‌گرایان معتقدند که علوم جدید، سکولار هستند و وجود و عدم خدا را نادیده می‌گیرند و نصر به ادعای خودش، نخستین کسی است که پژواک اسلامی‌سازی علوم جدید را سر داد (نصر، ۱۳۹۳ (ب): ص ۲۰۱). نصر سخت بر این باور است که باید ایده «اَسْلَمُه‌المعرفه» را که در پی بنای علوم بر پایه جهان‌بینی خودمان آمیخته و در آن جذب کنیم. (نصر، ۱۳۸۵: ص ۱۷۰).

در طیف مخالف این جریان، برخی از صداهای اسلامی‌سازی علوم در اسلام سنتی، از طیف مقاصدی همانند آیت‌الله مصباح یزدی، جوادی آملی و شهید صدر و اسامه السید الازهری را با خود همراه می‌بیند.

به طور خلاصه، شاخصه اصلی جریان اسلام سنت‌گرا عبارت است از: حکمت خالده یا فلسفه جاودان (نصر، ۱۳۸۵: ص ۲۵۶)، وحدت متعالی ادیان (نصر، ۱۳۹۱: ص ۵۷)، کثرت‌گرایی دینی (نصر، هفت آسمان، ش ۳۳، ص ۳۲)، گرایش به عرفان و تصوّف، اعتقاد به علم و هنر قدسی در برابر علم و هنر مدرن انتقاد از غرب و دنیای مدرن (نصر، جوان مسلمان و دنیای متجدد: ص ۹۵) و اسلامی کردن علوم (نصر، ۱۳۸۵: ص ۱۷۰).

مهم‌ترین تفاوت سنت‌گرایی با اسلام سنتی را باید در توجه متمایز و روشمند آن نسبت به مدرنیته جست‌وجو کرد. همان‌گونه که اشاره شد، سنت‌گرایی ضمن رد بی‌اعتنایی

به مدرنیته، با شناخت کامل به آن واکنش نشان می‌دهد؛ ولی اسلام سنتی طیف درجه یک و دو، با بی‌تفاوتی یا تکیه بر مفاهیم اسلامی رابطه خود با مدرنیته را ترسیم کرده است. نکته آخر در تفاوت سنت در نگاه سنت‌گرایان با اسلام سنتی آن است که در سنت‌گرایی، وقتی «tradition» با «T» بزرگ نوشته شود، به معنای حکمت نخستین و ازلی یا حقیقت تغییرناپذیر و بی‌صورت است، و هرگاه با «t» کوچک بنویسند، بدین معناست که تجسم صوری حقیقت در هیئت اسطوره‌ای یا دینی خاص که در خلال زمان منتقل شده است؛ یا وسیله و محمل انتقال این تجسم صوری، یا خود جریان انتقال (کنت الدمدو، ۱۳۸۹: ص ۱۵۳)؛ درحالی‌که چنین تمایزی در سنت معنا ندارد و اسلام کلاسیک چنین تفکیکی را برنمی‌تابد.

با تبیین تعریف متفاوت از سنت و ارکان سنت‌گرایی که اشاره شد، تفاوت عمده آن با اسلام سنتی مشخص می‌شود. در اسلام سنتی، نه مراد از سنت چنین توصیف واسعی است و نه ارکان پنج‌گانه فوق، اعتباری در این جریان اسلامی دارد؛ هر چند می‌توان گفت که سنت‌گرایی اعم از اسلام سنتی است و بر آن هیمنه دارد.

به‌طور خلاصه سنت‌گرایی، سنت را بامدرنیته ناسازگاری می‌داند و این جریان اسلامی دنبال آن است که با سنت، به تولید علم مقدس بپردازد و رابطه اسلام و مدرنیته را اصلاح کند. این جریان ضمن افراط در تخصص با تمدن غرب، از چاله تجدد به چاه سنت می‌افتد و با آرزواندیشی، نابودی تمدن غرب را سر می‌دهد. در یکی از مصاحبه‌های نصر درباره آینده تمدن غربی، آمده است که تمدن غرب به خروسی می‌ماند که سرش را بریده‌اند، برای مدت کوتاهی به این طرف و آن طرف می‌رود با حرکتی سریع و بدون هدف، تا جان از تن آن به در رود و نهایتاً بمیرد. در نهایت، ما شاهد اضمحلال تمدن جدید خواهیم بود (نصر، ۱۳۸۹: ص ۳۱۹).

نکته مهم درباره سنت‌گرایی این است که این جریان معیار عامی برای نقد مدرنیته ارائه نمی‌دهد و از درون سنت، آن را نقد می‌کند. این جریان دغدغه رابطه دین و طبیعت را

دارد و به هماهنگی آن ملتزم است. سنت‌گرایی به احیای سنت و دین پرداخته و با تکیه بر آموزه‌های عرفانی همچون اسلام و هندو، درصدد حل معضلات دنیای جدید است. شیوه دین‌پژوهی این جریان درباره وحدت ادیان و کثرت‌گرایی دینی، باعث کم‌رنگ شدن شریعت از دین در امور سیاسی می‌شود که تالی فاسد فراوانی دارد؛ حال آنکه اسلام سنتی هرگز سودای کم‌رنگ شدن شریعت را بر نمی‌تابد و رکن آن، بر فقه و شریعت بنیان‌گذاری شده است.

بنابراین، اسلام سنتی و سنت‌گرایی تقریباً در مواجهه با مدرنیته کهنه‌گرا هستند. این دو گفتمان ضمن اشتراک در بازگشت به دوران کهن، در این موضوع افتراق دارند که سنت‌گرایان با شناختی که به مدرنیته به گذشته دارند؛ ولی اسلام سنتی بدون هیچ شناختی از مدرنیته به شیفته دوران پیشامدرنیته است. با وجود اینکه هر دو گفتمان به دوران کهن نظر دارند، تفاوتشان در اینجاست که سنت‌گرایان با آگاهی و شناخت نسبت به مدرنیته به گذشته بازمی‌گردند، در حالی که اسلام سنتی بدون هیچ شناختی از مدرنیته، صرفاً شیفته و دلباخته دوران پیشامدرن است. از نکات ناگفته در روش‌شناسی گفتمان سنتی‌ها در مواجهه با چالش‌های پیش‌رو و عدم پاسخ‌اقتناعی به آن، توجه آن‌ها به حوزه‌های دیگر است تا در پرتو آن، ضعف‌های اندیشه‌ای خود را پر کنند. مطرح شدن طب اسلامی و ترویج آن، نمونه‌ای از واکنش‌های اسلام سنتی است. به بیان دیگر، سنتی‌ها به جای پاسخگویی به چالش‌های بنیادین مدرنیته و حل آن‌ها، بر موضوعات جذاب دیگری مانند طب اسلامی و ترویج آن تمرکز می‌کنند؛ از این رهیافت، هم گذشته خود را بازنمایی می‌کنند و هم چالش با مدرنیته را نفی می‌کنند و هم با پاک کردن صورت مسئله، راه فراری برای خود از چالش‌های پیش‌رو با مدرنیته می‌یابند. این شیوه، برخلاف سنت‌گرایی است که عالمانه و عامدانه به سراغ ترویج سنت‌گرایی می‌رود و طب اسلامی را برای دغدغه‌های اصلی خود مطرح می‌کند.

از منظر سنت‌گرایی در عرصه سیاست، سلطنت دینی ایده‌آل‌ترین نظام سیاسی است و نظریه دولت حول این محور شکل می‌گیرد. (ماحوزی و اعتصامی، ۱۳۹۵: ص ۱۳۴).

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی تطبیقی دو جریان اسلام سنتی و سنت‌گرایی، به واکاوی تفاوت‌های مفهومی و روشی آن‌ها پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سنت در این دو جریان، با وجود اشتراک لفظی، از جهت ماهوی و کارکردی تفاوت‌های بنیادینی دارد.

در اسلام سنتی، سنت به مثابه میراث دینی تاریخی تعریف می‌شود که شامل آموزه‌های فقهی، حدیثی و شریعت محور است و عمدتاً در تقابل با مدرنیته، رویکردی انفعالی یا دفاعی دارد. این جریان، اگرچه پایبند به اصول پیشامدرن است؛ اما از نظریه پردازی منسجم و نظام مند برای مواجهه با چالش‌های جهان معاصر بی‌بهره است. در مقابل، سنت‌گرایی با تکیه بر حکمت خالده و با نگاهی فرادینی، سنت را به مثابه حقیقتی قدسی و فراتاریخی می‌فهمد که در قالب‌های مختلف دینی متجلی شده است. سنت‌گرایان با شناخت انتقادی مدرنیته، به بازتعریف سنت در چارچوبی فلسفی و عرفانی می‌پردازند و به دنبال احیای معنویت در برابر بحران‌های دنیای مدرن هستند.

تفاوت دیگر این دو جریان در مواجهه با مدرنیته است: اسلام سنتی عمدتاً با نگاهی کلیشه‌ای و گاه انزواگرایانه به مدرنیته می‌نگرد؛ در حالی که سنت‌گرایی با نقد ریشه‌ای مبانی مدرنیسم، به دنبال ارائه جایگزینی معنوی است. همچنین، اسلام سنتی بر شریعت و ظواهر دینی تأکید دارد؛ اما سنت‌گرایی با محوریت عرفان و وحدت متعالی ادیان، به باطن‌گرایی تمایل نشان می‌دهد.

درمجموع، این تحقیق نشان می‌دهد که به‌رغم برخی شباهت‌های ظاهری، این دو جریان در مبانی معرفتی و روش‌شناسی و اهداف، از یکدیگر متمایز هستند. فهم این تمایزها نه تنها به روشن شدن مرزهای گفتمانی این دو کمک می‌کند؛ بلکه برای تحلیل دقیق‌تر تحولات فکری در جهان اسلام معاصر ضروری است. پژوهش‌های آینده می‌توانند با تمرکز بر تأثیرات اجتماعی و سیاسی این دو جریان، ابعاد جدیدی از تعامل یا تقابل آن‌ها با مدرنیته را بررسی کنند.

منابع

- امامی جمعه، سید مهدی؛ طالبی، زهرا (۱۳۹۱)، «سنت و سنت‌گرایی از دیدگاه فریتیوف شوان و دکتر سید حسین نصر»، الهیات تطبیقی، ش ۷، ص ۳۷-۵۶.
- توفیقی، حسین. (بهار ۱۳۸۶). گفت و گویی دیگر با دکتر سید حسین نصر. هفت آسمان، سال نهم، شماره ۳۳.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۶)، پیام پیامبر، تهران: منفرد.
- الخطیب، محمد عجاج (۲۰۰۵م)، السنّة قبل التدوین، بیروت: دارالفکر.
- الدمدو، هری کنت (۱۳۸۹ش)، سنّت‌گرایی: دین در پرتو فلسفه جاویدان، ترجمه رضا کورنگ بهشتی، تهران: حکمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالقلم.
- رحمتی، انشاءالله (۱۳۹۸)، حکمت خالده و سنت‌گرایی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- روا، اولیویه (۱۳۹۵)، شکست اسلام سیاسی، ترجمه نقیب‌زاده، تهران: نشر نی، (اثر اصلی در ۱۹۹۲ منتشر شده است).
- شافعی، محمد بن ادريس (بی‌تا)، الرسالة، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي واولاده.

شرابی، هشام (۱۳۶۸)، روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه.

شوکانی، محمد بن علی (بی‌تا)، إرشاد الفحول، بیروت: دارالکتب العربی.

صاحبی، محمدجواد (۱۳۹۶)، جنبش‌های فکری و دینی در جهان اسلام معاصر (بنیان‌ها و سیر تحولات بیداری اسلامی)، قم: نشر ادیان.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالمعرفه.

عرب‌صالحی، محمد (۱۳۹۳)، جریان‌شناسی اعتزال نو، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

علی‌پور وحید، حسن (۱۴۰۲)، اطلس اندیشه معاصر عرب، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

فراهیدی، خلیل بن احمد (بی‌تا)، العین، بیروت: دار مکتبه الهلال.

قرایی‌مقدم، امان‌الله (۱۳۸۲ش)، انسان‌شناسی فرهنگی (مردم‌شناسی فرهنگی)، تهران: ابجد.

قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، أحسن الحديث، تهران: بنیاد بعثت.

کدیور، محسن، تمایز سنت‌گرایی از دین سنتی. [یادداشت

ماحوزی، رضا؛ اعتصامی، مسعود (۱۳۹۵)، «نظریه دولت در اندیشه سیاسی سنت‌گرایان»، دولت‌پژوهی، ش ۷، ص ۱۳۳-۱۶۱.

ملکیان، مصطفی (۱۳۷۸)، «سخنی در چند و چون ارتباط اسلام و لیبرالیسم»، ماهنامه کیان، ش ۴۸، ص ۱۳-۱۵.

موثقی، سیداحمد (۱۳۹۲)، گونه‌شناسی جریان‌های فکری و جنبش‌های اسلامی، منتشره در دایرةالمعارف جنبش‌های اسلامی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۳ش)، اسلام و تنگناهای انسان متجدد، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

نصر، سید حسین (۱۳۷۳ش)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.

نصر، سید حسین (۱۳۸۵ش)، در جست‌وجوی امر قدسی، ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی، تهران: نشر نی.

نصر، سید حسین (۱۳۸۹ش)، جاودان خرد، به‌اهتمام سیدحسن حسینی، تهران: سروش.

نصر، سید حسین (۱۳۹۱ش)، معرفت و امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: فرزاد روز.

نصر، سید حسین (۱۳۹۳ش) (الف)، آفاق حکمت در سپهر سنت، مصاحبه‌کننده: حامد زارع، تهران: ققنوس.

نصر، سید حسین (۱۳۹۳ش) (ب)، حکمت و سیاست، به‌کوشش حسین دهباشی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

References

- ‘Alīpūr Vahīd, Ḥasan. 1402 Sh. *Aṭlas-i andīshah-yi mu‘āṣir-i ‘Arab*. Tehran: Sharikat-i Chāp va Nashr-i Bayn al-Mīlāl.
- ‘Arab Ṣāliḥī, Muḥammad. 1393 Sh. *Jaryān-shināsī-yi i ‘tizāl-i naw*. Tehran: Sāzmān-i Intishārāt-i Pazhūhishgāh-i Farhang va Andīshah-yi Islāmī.
- Dumdum [Dumdur?], Harry Kent. 1389 Sh. *Sunnat-girāyī: Dīn dar partuv-i falsafah-yi jāvīdān*. Translated by Riḍā Kūrang Bihishtī. Tehran: Hikmat.
- Emāmī Jom‘ah, Sayyid Maḥdī, and Zahrā Ṭālibī. 1391 Sh. “Sunnat va sunnat-girāyī az dīdgāh-i Frīṭiyūf Shuān [Frithjof Schuon] va Duktur Sayyid Ḥusayn Naṣr [Dr. Seyed Hossein Nasr]”. *Ilāhīyāt-i Taṭbīqī*, (7) 37–56.
- Al-Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. n.d. [*Kitāb*] *Al-‘Ayn*. Beirut: Dār Maktabat al-Hilāl.
- Kadīvar, Muḥsin. n.d. *Tamāyuz-i sunnat-girāyī az dīn-i sunnatī*. [Note].
- Al-Khaṭīb, Muḥammad ‘Ajjāj. 2005. *Al-Sunnah qabl al-tadwīn*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Khorramshāhī, Bahā’ al-Dīn. 1376 Sh. *Payām-i Payāmbar*. Tehran: Munfarid.
- Māḥūzī, Riḍā, and Mas‘ūd I‘tiṣāmī. 1395 Sh. “Naẓarīyah-yi dawlat dar andīshah-yi siyāsī-yi sunnat-girāyān.” *Dawlat-pazhūhī*, no. 7: 133–61.

- Malekīyān, Muṣṭafā. 1378 Sh. “Sukhunī dar chand-u-chūn-i irtibāt-i Islām va lībrālīsm.” *Māhnāmāh-yi Kiyān*, no. 48: 13–15.
- Muvaththaqī, Sayyid Aḥmad. 1392 Sh. “Gūnah-shināsī-yi jaryānhā-yi fikrī va junbish’hā-yi Islāmī.” In *Dā’irat al-Ma’ārif-i Junbish’hā-yi Islāmī*. Tehran: Pazhūhishkadah-yi Muṭāla’āt-i Farhangī va Ijtīmā’ī.
- Naṣr, Sayyid Ḥusayn. 1373 Sh. *Javān-i Musalmān va dunyā-yi mutajaddid*. Translated by Murtaḍā As’adī. Tehran: Tarḥ-i Naw.
- Naṣr, Sayyid Ḥusayn. 1383 Sh. *Islām va tangnāhā-yi insān-i mutajaddid*. Translated by Inshā’ Allāh Raḥmatī. Tehran: Daftar-i Pazhūhish va Nashr-i Suhrawardī.
- Naṣr, Sayyid Ḥusayn. 1385 Sh. *Dar justujū-yi amr-i qudsī*. Translated by Sayyid Muṣṭafā Shahrāyīnī. Tehran: Nashr-i Nī.
- Naṣr, Sayyid Ḥusayn. 1389 Sh. *Jāvidān-i khirad*. Edited by Sayyid Ḥasan Ḥusaynī. Tehran: Surūsh.
- Naṣr, Sayyid Ḥusayn. 1391 Sh. *Ma’rifāt va amr-i qudsī*. Translated by Farzād Ḥājī Mīrzāyī. Tehran: Farzān Rūz.
- Naṣr, Sayyid Ḥusayn. 1393 Sh (a). *Āfāq-i ḥikmat dar sipihr-i sunnat*. Interviewer: Ḥāmid Zārī’. Tehran: Quqnūs.
- Naṣr, Sayyid Ḥusayn. 1393 Sh (b). *Ḥikmat va siyāsāt*. Edited by Ḥusayn Dihbāshī. Tehran: Sāzmān-i Asnād va Kitābkhānah-yi Millī.
- Qarā’ī Muqaddam, Amān Allāh. 1382 Sh. *Insān-shināsī-yi farhangī (Mardum-shināsī-yi farhangī)*. Tehran: Abjad.
- Qurashī, ‘Alī Akbar. 1377 Sh. *Aḥsan al-ḥadīth*. Tehran: Bunyād-i Bi’tḥat.
- Al-Rāghib al-Iṣfahānī, al-Ḥusayn ibn Muḥammad. 1412 AH. *Al-Mufradāt fī gharīb al-Qur’ān*. Beirut: Dār al-Qalam.
- Raḥmatī, Inshā’ Allāh. 1398 Sh. *Ḥikmat-i khālīdah va sunnat-girāyī*. Tehran: Mu’assasah-yi Pazhūhishī-yi Ḥikmat va Falsafah-yi Īrān.
- Roy, Olivier. 1395 Sh. *Shikast-i Islām-i siyāsī*. Translated by Aḥmad Naqībzādah. Tehran: Nashr-i Nay. (Original work published 1992).
- Şāhibī, Muḥammad Jawād. 1396 Sh. *Junbish-hā-yi fikrī va dīnī dar jahān-i Islām-i mu’āşir (bunyānhā va sayr-i taḥawwulāt-i bīdārī-yi Islāmī)*. Qom: Nashr-i Adyān.

- Al-Shāfi‘ī, Muḥammad ibn Idrīs. n.d. *Al-Risālah*. Egypt: Sharikat Maktabat wa-Maṭba‘at Muṣṭafā al-Bābī al-Ḥalabī wa-Awlādih.
- Sharābī, Hishām. 1368 Sh. *Rūshanfīkrān-i ‘Arab va Gharb*. Translated by ‘Abd al-Raḥmān ‘Ālim. Tehran: Daftar-i Muṭāla‘āt-i Siyāsī va Bayn al-Milālī.
- Al-Shawkānī, Muḥammad ibn ‘Alī. n.d. *Irshād al-fuḥūl*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Arabiyyah [Dār al-Kitāb al-‘Arabī?].
- Al-Shu‘ayrī, Muḥammad ibn Muḥammad. n.d. *Jāmi‘ al-akḥbār*. Najaf: Al-Maṭba‘ah al-Ḥaydarīyah.
- Ṭabrisī, Faḍl ibn al-Ḥasan. 1377 Sh. *Majma‘ al-bayān fī tafsīr al-Qur‘ān*. Tehran: Dār al-Ma‘rifah.
- Tawfiqī, Ḥusayn. Spring 1386 Sh. “Guftugū-yī dīgar bā Duktur Sayyid Ḥusayn Naṣr.” *Haft Āsmān*, Vol. 9, Issue. 33.